

خاور میانه و ناصر

جنگ عرب و یهود به آتش بس انجامید ، اما ، جنگ مفسران همچنان ادامه دارد . عده‌ای معتقدند که اگر ناصر با واقع بینی قدرت ارتشهای عربی را اندازه گیری کرده بود کار باینجا نمیرسید ؛ ناصر میگوید مداخله نیروی هوایی آمریکا وضع جبهه را بسود یهود دگرگون ساخت ؛ دسته‌ای بر آنند که ارتش اسرائیل وظیفه دارد زمین‌های اشغال شده را به عرب بازگرداند تا راه برای مذاکره باز شود ، ناصر در انتظار است که بازگشت ارتش اسرائیل را بحساب نتایج سودمند تدابیر اقتصادی‌اش بگذارد و اعلام کند که بستن لوله‌های نفت بروی غرب راه پیروزی عرب را گشود ؟

چند نفری نیز میخواهند بدانند که جنگ را اسرائیل آغاز کرده است یا عرب خیر نگاران آمار گرتعداد هواپیماها وسایل جنگی که در زمین وآسمان از دست رفته است توجه خاصی دارند ،

انسان دوستها کشتگان را بادقت میشمارند، آمار مجروحان را از بیمارستانها میکیرند و بادقت جمع می‌زنند ، گروهی نیز تلفات را یکجا با پول ارزش یابی می‌کنند و ارقام درستی ارائه میدهند .

مردم اسرائیل و کشورهای عربی نیز در این گیرودار حرفهای جالبی دارند :

یهود میگوید که اگر روسها با ملاقاتهای محرمانه به ناصر دل و جرئت نداده بودند او با یهود سر جنگ نداشت زیرا هنوز جنگ چهارده ساله‌اش را با ملل اسلامی و کشورهای عربی پبایان نرسانده بود ، و در مذهب ناصر تارویکه يك مسلمان یمن یا سعودی واردنی وغیره وغیره زنده است جنگ با یهود حرمت دارد ، اصلاً این درست نبود که ارتش آزادی بخش مصر بجای آنکه شهرهای سعودی و دهکده‌های یمن را بمباران کند بسراغ اسرائیلی‌ها برود !! این روسها بودند که یاد در دماغ ناصر انداختند و او را از برادر کشی به پسر عمو کشی وادار ساختند ؛

مردم مصر نیز از روسها گله دارند ، میگویند روسها در این جنگ کوتاهی کردند ، زیرا هزاران تانک و هواپیما و مسلسل با ما دادند اما ، روز جنگ بجای آنکه سر بازان روسی را بفرستند و با این سلاحها یهود را تارومار کنند جوانهای مصری را به جبهه فرستادند ، مصریها به سفارتخانههای روسی سنگ پرا اندند و با این روش منطقی به آنها فهماندند که هر کس اسلحه میفرشد خودش هم باید بجنگد !

اما ، از حق نگذریم ، روسها هم حق دارند : آنها میگویند ما که طرفدار صلح پایدار هستیم هیچوقت بروی کسی اسلحه نمی کشیم ما مثل آمریکائیهامردم ویتنام را بتوپ نمی بندیم ، ما صلحدوست هستیم لذا فقط اسلحه صادر میکنیم ، آنها هم با شرایط مناسب !!

دانههای گلوله را از دانههای برنج و گندم ارزان تر میفروشیم زیرا میدانیم که مردم فقیر خاورمیانه به خوراک گرم گلوله احتیاج فراوان دارند ، وانگهی عرب خیلی پرتوقع است بما میگوید اسلحه بیاورید ، سر باز هم بفرستید و بجنگید و فاتح شوید و اسرائیل را با تحویل بدهید تا عبدالناصر باد در غیغب بیندازد و به ملت های عرب تحکم کند .

در میان همه این حرفها و صدها تفسیر هزاران پرسش برای ما ایرانیها باقی مانده است ، این پرسشها اگر پاسخی نداشته باشد لااقل سوژه ایست برای روزنامه های اجیر قدرتمندانیکه حق حیات و استقلال مردم خاورمیانه را بیازی گرفته اند !!

اسرائیل در جنگ اخیر یک نیمچه شهر بدست آورد بنام غزه با چند کیلومتر مربع بیابان ؛ این نیمچه شهر نیز جزئی از فلسطینی است و زبطنی به کشور مصر ندارد. رفح و خان یونس و دیرالبلح و العریش همان اردوگاهها و چادرهای آوارگان عرب هستند که از سال ۱۹۴۶ بصورت دهکده های بدون آب و مزرعه درآمدند . ما میپرسیم مگر منظور از سرزمین های عرب همین نیمچه شهر و چند ده ویران بود ؟

چرا ناصر جنگ را تا داخل مرزهای مصر وسعت نداد ؟
چرا قبل از آنکه شروع به لشکرکشی کند وزمینة جنگ را فراهم آورد به مردم غزه اجازه نداد به داخل خاک مصر کوچ کنند؟ همه فلسطینی های دنیای عرب میدانند که هزاران تقاضای مسافرت در اداره پلیس نظامی قطاع غزه که ریاست آن با مصریها بود بلا جواب گذاشته شد .

ناصر چرا جوانهای فلسطینی را به کشورهای عربی فرستاد و پدر و مادر و خواهر آنها را در قطاع و غزه و گروگان نگهداشت ؟ برای چه ؟ مگر در قرن بیستم مسافرت از شهری به شهر دیگر اجازه سفر میخواهد ؟ اگر غزه برای

مصر سرزمینی بیگانه بود. چرا حکومتش را به مردمش واگذار نکرد؟ هم اکنون مصر برای هزاران جوان فلسطینی و آواره که بمنظور کار به کشورهای عربی رفته اند و مادر و پدرشان را در غزه از دست داده اند چه جوابی دارد؟ کسی که نمیتواند گروگان و اسیر را نگاهداری کند، چرا این مسئولیت را قبول میکند؟

نیروهای سازمان ملل متحد در قطاع غزه چه وظیفه ای داشتند؟
 وقتیکه انجمن های خیریه بین المللی غذا و وسایل زندگی فلسطینی های این منطقه را تأمین میکردند چرا سیطره و آقائی را به افسران مصری سپردند؟ بنظر کسانیکه مسائل دنیای عرب را عمیقاً نمیشناسند این پرسش مفید فایده ای نیست، حال آنکه قیمومت مصریها در این منطقه و گماردن افسران مصری در ادارات پلیس و محاکم موجب شد که ناصر بتواند با سر نوشت يك مشت مردم گرسنه و محروم بسود خود بازی کند آنها را که از فقر بستوه آمده بودند به تخریب و اختلال و ترور در کشورهای عربی مجبور نماید، در طول چهارده سال فلسطینی ها برای ناصر مثل لژیون خارجی بودند، لکن افراد این لژیون به کشورهای عربی می رفتند. حتی سهمی از حقوق ماهانه خود را بعنوان مختلف برای قاهره میفرستادند و مجبور بودند که اوامر قاهره را برای بفرستادن هر نوع دسیسه علیه عرب اطاعت کنند زیرا خانواده آنها در منطقه غزه در گرو سر بازان مصر بود. این قضایا را سازمان ملل، انجمن های خیریه، آمریکا، انگلیس، روسیه و همه قدرتمندان میدانستند و سکوت میکردند و هر کس بنحوی از این قداره بند حق السکوت میگرفت، یا هر کس بشکلی این عامل حمایت شده را بسود خود مأمور اجرای طرحهایش میساخت.

ما میپرسیم چرا بجای کمک های عظیم به مصر به ملت فلسطین کمک نکردند تا در همان باقیمانده و وطنشان اختیاردار زندگی و سر نوشتشان باشند و آلت دست این و آن نشوند؟

نیروهای سازمان ملل در این منطقه حامی ناصر بودند و برای ناصر بودند و روزی هم که او نخواست مردم فلسطین را بی پناه و بدون حق تصمیمها کردند، کدام فلسطینی است که نداند مصریها آزادیخواهان فلسطینی را در منطقه غزه بجرم همکاری با اسرائیل اعدام کردند و یا اینکه با اتهام خرید و فروش حشیش به بیست سال زندان محکوم نمودند،

همه از این فجایع آگاهی داشتند، اسرائیل نیز در طول نوزده سال گذشته همیشه و همه جا موقعیت ناصر را استحکام بخشید، چرا و چگونه؟

از یکطرف ناصر به دشمنی با یهود تظاهر میکرد و رؤسای استقلال طلب و آزاده کشورهای عربی را همکاری یهود می خواند و از طرف دیگر یهود از ادوی

تل اوپو (یا تلزیب) به ناصر می‌تاخت و اینطور به ملت‌های عرب تلقین میکرد که فقط ناصر دشمن اسرائیل است و باین ترتیب بمبارزات پر سر و صدای او اصالت میبخشید و گاهی نیز با تأیید پادشاهان و رؤساء کشورهای عربی که مخالف ناصر بودند، آنها را نزد ملت‌های عرب بی اعتبار میساخت.

آیا سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل که موشه دایان نیز یکی از افسران و گردانندگان آن بود این حقایق را نمی‌دانستند؟

اگر تا اینحد کردن وی اطلاع بودند چگونه توانستند در تاریکی شب استحکامات عرب را ظرف سه ساعت نابود سازند؟

بنابراین منظور اسرائیل و حامیان او از حمایت و بزرگداشت ناصر

چه بود؟

مگر روسها نمیدانستند که درآمد مصر مجموعاً صرف ایجاد شبکه‌های

تخریبی جاسوسی در کشورهای عربی میشود؟

اگر نمیدانستند، آیا نتایج کار این شبکه‌ها را در روزنامه‌ها نیز نمیخواندند؟

مگر نمی‌دیدند که با دست عمال ناصر چگونه خانه‌ها ویران میشود، قصرها را بروی سر رؤسای کشورهای عربی میکوبند، یمنی را درمزرعه‌اش بمباران می‌کنند، کشور سعودی و بحرین را در بیمارستان‌های نجران پناه میدهد.

هواپیماهای یلوشینی این بیمارستان‌ها را نیز بزرگ آتش گلوله میکیرند؟!

آیا روسها از این حوادث با اطلاع بودند؟

حال که نمیتوان به عدم اطلاع آنها استناد کرد باید پرسید که چگونه

سیل پول و مهندس به سرزمین مصر روانه ساختند تا اقتصاد مصر را از فلاکت برهانند و مصر بتواند با خیال راحت به برادر کشی و حادثه آفرینی

پردازد؟

مردم ایران هشیارانه از این توطئه‌ها آگاه بودند و حامیان عبدالناصر

را همیشه و همه جا شناخته‌اند و بهمین دلیل عبدالناصر از چشم‌های تیز بین

ایران میهراسید همچنانکه دزد از پاسبان وحشت دارد، او میدانست که ایران

نقشه‌های او را بر ملا خواهد ساخت، نقشه‌هایی که نه بسود ملت مصر بود و نه

بسود عرب و نه مفید برای ملت‌های خاورمیانه!! بلکه فقط و فقط در جهت

منافع قدرتمندانی بود که ناصر را عامل اجرای مقاصد خود ساخته بودند و

امروز نیز که هنوز این غول‌ساختگی کاملاً فرو نریخته است در صدد هستند که

ناصر دیگری در دنیای عرب بوجود آورند، تا سال‌های آینده با دست اودنیای

عرب را بدنیال خود بکشند،

آیا با ایسن ترتیب باز هم بحث در این موضوع فایده دارد که کدامیک

جنگ را شروع کردند اسرائیل یا مصر؟

این جنگ سالهاست که آغاز شده است با گلوله اجنبی و با دست اجنبی!! این جنگ پایان نخواهد یافت. نه باین علت که قضیه اسرائیل و اراضی اشغال شده هنوز حل نشده است بلکه به این علت که قدرت‌های بزرگ بین‌المللی در این کشورها بزور آزمائی و سودجویی پرداخته‌اند، کریمانه اسلحه می‌دهند، بزرگوارانه جاسوس می‌فرستند، مدبرانه نقشه‌های سیاسی جلوی عروسک‌های قدرت طلب قرار می‌دهند و زیرکانه از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند!! و آنوقت در شورای امنیت صادقاته کوشش می‌کنند تا بفهمند که چه کسی جنگ را آغاز کرده است تا سرزنش کنند!!

و این حوادث غم‌انگیز تا روزی جریان خواهد داشت که ملت‌های خاورمیانه راه را از چاه نشناسند و با هر سازی ناآگاهانه برقصند و در جهل و ظلمت اسلحه بدوش گیرند و دندان‌هایشان را اگر گوار بیکدیگر نشان دهند.

پس جای تعجب نیست که اگر بیگانگان اسلحه فروش از جنگ مردم خاورمیانه لذت می‌برند و از برنامه‌های ترویج و آبادانی و جهاد علیه بیسوادی و بادانی می‌هراسند، به مرتجعین و فریب خوردگان پول می‌دهند تا در گوشه و کنار با برنامه‌های زراعی و فرهنگی که بسود ملت‌های خاورمیانه است مخالفت کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی